

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ





وزارت آموزش و پرورش
سازمان آموزش و پرورش استان خوزستان
مدیریت آموزش و پرورش ناحیه ۱ اهواز

دبیرستان شاهد رضوان /حضرت نرجس (س)

ناحیه ۱ اهواز

کتاب فارسی ۱

درس دوم: از آموختن ننگ مدار

مدرس: اعظم ویسی

■ تا توانی از نیکی کردن میاسا.

قلمرو زبانی: آسودن: استراحت کردن (بن ماضی: آسود، بن مضارع: آسا) /
میاسا: توقف مکن، دست بر ندار.
قلمرو فکری: تا می توانی از نیکی کردن به دیگران دست بر ندار.

■ و خود را به نیکی و نیکوکاری به مردم نمای.

قلمرو زبانی: نمای: نمودن: نشان دادن (بن ماضی: نمود، بن مضارع: نما)

قلمرو فکری: و خود را به مردم آنگونه نشان بده که فردی

قلمرو ادبی: اشتقاق: «نیکی»، «نیکو کاری» /



■ و خون نمودی به خلاف نموده، مباش.

قلمرو زبانی: چون: هنگامی که / نموده: نشان داده، ارائه کرده، آشکار کرده /
قلمرو ادبی: هم‌ریشگی یا اشتقاق: نمودی، نموده (رشته انسانی)
قلمرو فکری: و چون این چنین رفتاری نشان دادی برخلاف آن رفتار عمل نکن.

■ به زبان، دیگر مگو به دل، دیگر مدار، تا گندم نمای جو فروش نباشی.

قلمرو ادبی: واژه آرایی: «دیگر»، واج آرایی صامت «گ»
«تا گندم نمای جو فروش نباشی»: امروزه به عنوان مثل استفاده میشود.

قلمرو فکری: با زبانت چیزی نگو در حالیکه در دلت چیز دیگری باشد.
(کنایه از اینکه دو رو نباش) تا مانند کسی نباشی که به مردم گندم نشان
می‌دهد؛ اما به آنها جو می‌فروشد.

مفهوم: دوری از دورویی



■ و اندر همه کاری داد از خویشتن بده، که هر که داد از خویشتن بدهد، از داور مستغنی باشد.

قلمرو زبانی: اندر: در / داد: حق / داد از چیزی دادن: حق آن را ادا کردن /

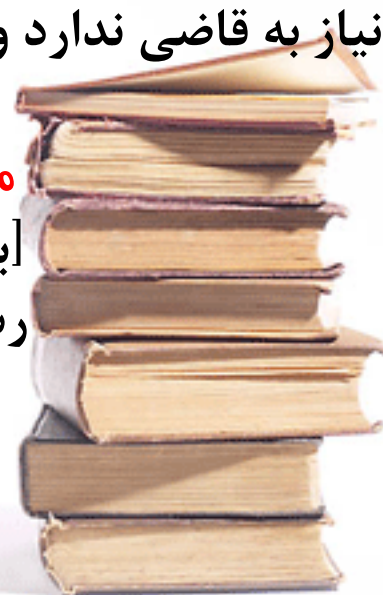
که نخست: زیرا / که دوم: کس / داور: قاضی، داورس / مستغنی: بی نیاز /

قلمرو ادبی: جناس همسان: که (۱- زیرا / ۲- کس)

قلمرو فکری: و در هر کاری حق آن را ادا کن؛ زیرا هر کس که حق را ادا کند، نیاز به قاضی ندارد و از آن نمی ترسد.

مفهوم: مرتبط با حدیث «حاسبُوا قَبْلَ أَنْ تُحَاسَبُوا»

[به حساب خودتان رسیدگی کنید پیش از اینکه به حساب شمار رسیدگی شود.]



■ و اگر غم و شادیت بود، به آن کس گویی که او تیمار غم و شادی تو دارد
و اثر غم و شادی پیش مردمان، بر خود پیدا کن.

قلمرو زبانی: تیمار: غم، حمایت و نگاهداشت، توجه / تیمارداشتن: غمخواری و محافظت
از کسی که بیمار باشد یا به بلا و رنجی گرفتار شده باشد؛ پرستاری و خدمت کردن / پیدا
کردن: آشکار کردن

قلمرو ادبی: تضاد و تکرار: «غم» و «شادی» /

قلمرو فکری: اگر غم و شادی برای پیش آمد، به کسی بگو که
دوست دوست و قصد کمک به تو را دارد و غم و شادیت را برای هر
انسانی آشکار نکن و به ایشان نشان نده.

مفهوم: تودار و رازدار بودن و خود دار بودن

اعظم ویسی / ناحیه ۱ اهواز



■ وبه هنرنیک و بد، زودشادان و اندوهگین مشو، که این فعل کو دکان است.

قلمرو زبانی: «شادان» و «اندوهگین»: ساختمان وندی دارند.

قلمرو ادبی: تضاد: نیک و بد، شادان و اندوهگین.

قلمرو فکری: و با هر اندک خوبی و بدی، زود شاد و غمگین نشو که این کار بچه‌هاست.

■ بدان کوش که بر هر محالی، از حال و نهاد خویش بنگردی، که بزرگان به

هر حق و باطلی از جای نشوند.

قلمرو زبانی: محال: بی اصل، ناممکن، اندیشه باطل / نهاد: ذات /

بنگردی: عوض نشوی /

قلمرو ادبی: از جای شدن: کنایه از «از کوره در رفتن» / تضاد: حق و باطل

قلمرو فکری: تلاش کن که به خاطر هر کار بیهوده ای حالت عوض نشود؛

زیرا انسان‌های بزرگ زود تحت تأثیر هر حق و باطلی قرار نمی‌گیرند.



■ و هر شادی که بازگشت آن به غم است، آن را شادی مشمر، و به وقت نومیدی امیدوار تر باش
و نومیدی را در امید بسته دان و امید را در نومیدی. (بسته دان: حذف فعل به قرینه لفظی)

قلمرو زبانی: شمردن: به حساب آوردن (بن ماضی: شمرد، بن مضارع: شمار)
نومید: ناامید / بسته دان: مرتبط دانستن، وابسته دانستن (حذف به قرینه لفظی).
قلمرو ادبی: تضاد: «امید» با «نومیدی» و «غم» با «شادی» / واج آرای صامت «ش» و «د» /
تکرار «امید» و «نومیدی»

قلمرو فکری: و هر شادی که پایان آن غم است را شادی به شمار نیاور،
هر زمان ناامید شدی امیدت را از دست نده و بدان که ناامیدی وابسته به
امید و امید وابسته به ناامیدی است.

اعظم ویسی / ناحیه ۱ اهواز



■ هیچ‌کس را ضایع مکن و همه را به سزا، حق شناس باش، خاصه قرابت خویش را،

چندان که طاقت باشد با ایشان نیکی کن.

قلمرو زبانی: ضایع: تباه، تلف / سزا: شایسته / خاصه: به ویژه / قرابت: خویشاوندی؛
در این درس، منظور «خویشاوند» است (هم‌آوا ← غرابت: شگفت و تعجب‌انگیز
بودن) / طاقت: توان / با: به



قلمرو فکری: تلاش هیچ‌کس را تباه مکن و نسبت به همه مردم
حق شناس باش؛ به ویژه خویشاوندان خود و به اندازه‌ای که توان داری
به خویشانت نیکی کن.

■ و پیران قبیلہ خویش را حرمت دار، ولیکن بہ ایشان مولع مباش تا ہمچنان کہ ہنر ایشان بینی،

عیب نیز توانی دید، و اگر از یگانہ ناایمن شوی، زود بہ مقدار ناایمنی، خویش را از وی ایمن گردان.

قلمرو زبانی: پیران: بزرگان، ریش سفیدان / حرمت دار: احترام بگذار / مولع: بسیار مشتاق، آزمند / ہمچنان: همان گونه / ہنر: فضیلت / ایمن گرداندن: در امان بودن / «را»: غیر مفعولی؛ فک اضافه

قلمرو ادبی: تضاد: «ہنر» و «عیب» و «ناایمن» و «ایمن» /
تکرار «ایمن» و «ناایمن» /

قلمرو فکری: و احترام پیران خاندانت را نگہ دار؛ ولی شیفتہ پیران مشو
تا همانطور کہ فضیلت آنها را می بینی، عیب آنها را نیز بینی،
و اگر از غریبہ ای احساس امنیت نمی کنی، بہ اندازہ ای کہ احساس ناایمنی
داری خود را از او دور کن و در امان دار.



■ واز آموختن ننگ مدار تا از ننگ رسته باشی.

قلمرو زبانی: آموختن: یاد گرفتن (بن ماضی: آموخت، بن مضارع: آموز) /
نگ: شرمساری، بی آبروی / رسته: نجات یافته (بن ماضی: رست، بن مضارع: ره) /

قلمرو ادبی: تکرار واژه ی «نگ» / واج آرای صامت «ن» /

قلمرو فکری: و از آموختن شرم نداشته باش تا از بی آبرویی نجات پیدا کنی.



«قابوس نامه، عنصر المعالی کیکاووس»

کارگاه متن پژوهی قلمرو زبانی:

(۱) معنی واژه های مشخص شده را بنویسید.
کتابی که در او « داد » سخن آرایبی توان « داد » سعدالدین وراوینی

داد اول : انصاف، دهش، عدالت، عدل داد دوم : به معنی فعل از مصدر دادن -
ادا کردن و انجام دادن

عشق شوری در « نهاد » ما « نهاد » فخرالدین عراقی
نهاد اول: به معنی سرشت و طبع نهاد دوم : به معنی فعل - قرار دادن

(۲) در متن درس، سه گروه کلمه متضاد بیابید.

(غم و شادی)، (امید و ناامیدی)، (نیکی و بدی)



۳) به عبارت های زیر توجه کنید:

الف) هم نشین نیک بهتر از تنهایی است و تنهایی بهتر از هم نشین بد.

ب) آرزو گفت: «از نمایشگاه کتاب چه خبر؟»

در عبارت «الف»، فعل جمله دوم ذکر نشده است اما خواننده یا شنونده از فعل جمله اول می تواند به فعل جمله دوم، یعنی «است» پی ببرد. در این جمله، حذف فعل به «قرینه لفظی» صورت گرفته است.

در عبارت «ب»، جای فعل «داری» یا «دارید» در جمله دوم خالی است اما هیچ نشانه ای در ظاهر جمله، شنونده را به وجود فعل راهنمایی نمی کند. تنها از مفهوم عبارت می توان دریافت که فعل «داری» یا «دارید» از جمله دوم حذف شده است؛ در این جمله، حذف به «قرینه معنوی» صورت گرفته است.

هریک از اجزای کلام در صورت وجود قرینه می تواند حذف شود.

اگر حذف به دلیل تکرار و برای پرهیز از تکرار صورت گیرد،

آن را «حذف به قرینه لفظی» گویند. اما اگر خواننده یا شنونده از مفهوم سخن به بخش حذف شده پی ببرد، «حذف به قرینه معنوی» است.

در کدام جمله متن درس، حذف صورت گرفته است؟ نوع آن را مشخص کنید.



۴) جدول زیر را کامل نمایید.

مضارع اخباری	ساخت منفی	امر	فعل
می شنوی	نشنو	بشنو	شنیده بودی
می روی	نرو	برو	داری می روی
می پرس	نپرس	بپرس	خواهید پرسید

قلمرو ادبی:

۱) بهره گیری از «مثل» چه تاثیری در سخن دارد؟

مضمون و مفهوم سخن را بهتر انتقال می دهد.
موجب گیرایی، آرایش و تزئین کلام است.
سبب ایجاز و کوتاهی کلام می شود.



۲) دو عبارت کنایی را از متن بیابید و بنویسید.

گندم نمای جو فروش بودن کنایه از حيله گری در خرید و فروش و کنایه از افراد دورو و ریاکار / داد چیزی را دادن کنایه از حق چیزی را چنان که شایسته است ادا کردن، با آن چیز به عدالت رفتار کردن / از جای شدن کنایه از خشمگین و عصبانی شدن.

قلمرو فکری:

۱) نویسنده، چه کاری را کودکانه می شمارد؟

زود شاد شدن در خوشی ها و زود اندوهگین شدن در غم ها
زود شادان و زود اندوهگین مشو، که این فعل کودکان می باشد.



۲) در جمله زیر، نویسنده بر کدام ویژگی های اخلاقی تأکید می کند؟

«اثر غم و شادی پیش مردمان، بر خود پیدا مکن.»

سنگینی و وقار، خویشتن دار و بلند همت بودن بودن، پنهان کردن راز درونی از دیگران، داشتن روح بزرگ و بلندی طبع.

۳) مفهوم عبارت «گندم نمای جو فروش مباش» را بنویسید.

نفاق و دورویی و این که ظاهر انسان با باطن او متفاوت نباشد.

۴) برای مفهوم بیت زیر، عبارتی از متن درس بیابید.

«شاد و بی غم بزی که شادی و غم

زود آیند و زود میگذرند»

ابن حسام خوسفی

و به هر نیک و بد، زود شادان و زود اندوهگین مشو، که این فعل
کودکان می باشد.



۵) حدیث «حَاسِبُوا قَبْلَ أَنْ تُحَاسَبُوا» با کدام عبارت درس، قرابت معنایی دارد؟

اندر همه کاری داد از خویشتن بده، که هر که داد از خویشتن بدهد، از داور مستغنی باشد.





با تشکر و سپاس

ویسی / ناحیه ۱ اهواز